

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛ در عصر پسا برجام؛ بازگشت به نواقح گرای

سید امیر جعفری^۱، عنایت اله یزدانی^۲، محمد علی بصیری^۳

تاریخ دریافت: 1396/8/14

تاریخ پذیرش: 1397/1/30

چکیده

پس از بازگشت دو طرف منازعه هسته ای ایران و کشورهای 5+1 به مذاکرات هسته ای و انعقاد توافق بین‌المللی برجام، انتظار می‌رفت این مدل بتواند به عنوان یک الگو جهت حل و فصل مسالمت آمیز موضوعات اختلافی دیگر مورد استفاده قرار گیرد. ولیکن تحولات پسا برجام، امیدها جهت تسری این مدل به پرونده‌های مناقشه آمیز دیگر را کاهش داد. برخلاف تصور برخی از تحلیل گران، ایران نه تنها در صدر تهدیدات امنیتی مورد شناسائی آمریکا و متحدان سنتی اش در منطقه باقی مانده، بلکه با ورود بازیگران فرامنطقه‌ای، بر شدت موازنه سازی در منطقه نیز افزوده شده است. تئوری نواقح گرائی گرچه به تنهایی نمی‌تواند درک درستی از تحولات خاورمیانه را ارائه نمایند، ولیکن همچنان از قدرت تبیین ساده‌تر و پیش‌بینی واقعی‌تر تحولات آینده، برخوردار است. در مقاله حاضر سعی می‌شود در پاسخ به این سوال که علل بازتولید منازعه ایران و آمریکا در خاورمیانه؛ در عصر پسا برجام چیست؟ با بهره‌گیری از تئوری نواقح گرائی؛ تبیین این سوال پرداخته شود. مفروض اصلی مقاله این است که به دلیل استمرار توازن قوا در خاورمیانه، شاهد تشدید رقابت های امنیتی و بازتولید ناامنی در منطقه با هدف برهم زدن توازن فعلی خواهیم بود. همکاری ایران با کشورهای 5+1، نتوانسته از تشدید منازعات در خاورمیانه جلوگیری نماید از همین رو به نظر می‌رسد تسری مسیر طی شده به دیگر موضوعات مورد اختلاف برای جمهوری اسلامی ایران رفتاری پرهزینه خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: خاورمیانه، نواقح گرای، موازنه قدرت، موازنه تهدید، بازدارندگی، ایران

1. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه اصفهان، ایران. s.amirjafari@chmail.ir

2. (نویسنده مسئول) دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، ایران eyazdan@ase.ui.ac.ir

3. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، ایران. basiri@ase.ui.ac.ir

مقدمه و بیان مساله

تاریخچه ورود ایالات متحده آمریکا به خاورمیانه را باید به دنبال دعوت برخی از کشورهای منطقه از جمله ایران در چارچوب اعتقاد بخشی از سیاستمداران این کشورها به «نیروی سوم» ارزیابی نمود. برخی از نخبگان این دسته از کشورها معتقد بودند چاره‌رهایی از واگذاری امتیازات مستمر به دو کشور روسیه و انگلستان، پناه بردن به یک قدرت سوم با نیت غیر استعماری می‌باشد. ولیکن در پایان قرن 19 و دو دهه آغازین قرن بیستم مداخله آمریکا در تحولات منطقه غرب آسیا به قدری گسترش یافت که هرگونه تحلیل برای تبیین تحولات این منطقه بدون در نظر گرفتن نقش سیاست خارجی آمریکا و همچنین اراده این کشور در بوجود آوردن نظم مورد نظر خود در این منطقه را ناممکن نموده است.

ایران که تا پیش از انقلاب اسلامی در سال 1357 از جمله اصلی‌ترین متحدان راهبردی آمریکا در منطقه بود، پس از انقلاب اسلامی، همواره به عنوان اصلی‌ترین رقیب برای منافع آمریکا در منطقه محسوب گردیده است. صرف نظر از پرونده پرتنش روابط دو جانبه ایران و آمریکا؛ در طول نزدیک به چهار دهه ی اخیر، شاهد رقابت شدید این دو کشور برای ممانعت از گسترش نفوذ یکدیگر در خاورمیانه بوده ایم. در این میان و بویژه پس از وقایع مربوط به بیداری اسلامی یا بهار عربی، در برخی از کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا سرعت و شدت تحولات سیاسی به قدری افزایش یافته، که تمامی نظم‌های نوین گذشته را به نظم‌های کهنه در حال انقراض تبدیل نموده است.

اکثر تئوری‌های روابط بین‌المللی به تنهایی نمی‌توانند درک درستی از تحولات خاورمیانه را ارائه نمایند و یک تئوری نیز به تنهایی توانایی تحلیل و تبیین رفتار بازیگران و الگوهای رفتاری در این منطقه را ندارد اما علی‌رغم این تحولات پرشتاب، منطق نواقعی گرائی علی‌رغم ضعف‌های مستتر و ناتوانی در تبیین برخی از زوایای مربوطه، همچنان از قدرت تبیین بهتری برای پاسخ به چرایی این تحولات برخوردار است. مفروضه‌های اساسی

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛... / 3

نظریه واقع گرایی مانند اعتقاد به وجود آنارشی در روابط بین‌الملل، کشور محوری، قدرت محوری، تلاش بازیگران برای ادامه حیات و بقا، تامین امنیت، موازنه گرایی، معمای امنیت و اصل خودیاری همچنان در تحلیل مسائل این منطقه کاربرد زیادی دارد.

در مقاله حاضر سعی می‌شود در پاسخ به این سوال که علل بازتولید منازعه ایران و آمریکا در خاورمیانه؛ در عصر پسا برجام چیست؟ با بهره‌گیری از چارچوب نظریه نواقع گرایی؛ به تبیین این سوال پرداخته شود. مفروض اصلی در این مقاله این است که به دلیل استمرار توازن قوا در خاورمیانه شاهد تشدید رقابت‌های امنیتی و بازتولید ناامنی در منطقه با هدف برهم زدن توازن فعلی خواهیم بود. همکاری ایران با کشورهای 1+5 و سازمان‌های بین‌المللی در خصوص پرونده فنی فعالیت‌های هسته‌ای خود، نتوانسته از تشدید منازعات در خاورمیانه جلوگیری نماید از همین رو به نظر می‌رسد تسری مسیر طی شده به دیگر موضوعات مورد اختلاف برای جمهوری اسلامی ایران رفتاری عقلانی محسوب نخواهد شد.

چارچوب‌های نظری نواقع گرایی

نواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری¹ را نخستین بار کنت والتز در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل»² ارائه داد. نواقع‌گرایی به اصول و مفروضه‌های محوری واقع‌گرایی کلاسیک مانند کشورمحوری، قدرت محوری، موازنه قوا، آنارشی یا وضع طبیعی بین‌المللی و یک‌پارچگی و عقلانیت کشورها وفادار است.

کسب، حفظ، نمایش، افزایش و موازنه «قدرت» همواره از اصول تغییر ناپذیر واقع‌گرایان و زیر مجموعه آنها در روابط بین‌الملل بوده است. بر همین اساس واقع‌گرایان

-
1. Structural Realism
 2. Kenneth Waltz
 3. Theory of International Politics

موضوعاتی چون منازعه، جنگ، اتحاد و ائتلاف را نیز از دریچه نگاه موازنه گرایانه رصد می‌نمایند. این نگاه گرچه در ساختار نظام بین‌الملل اعم از تک قطبی، دو قطبی و چند قطبی متفاوت به نظر می‌رسد ولیکن همگی بر اساس اصول ثابتی تبیین می‌گردند. در همین راستا مهار قدرت های ملی مخالف ابرقدرت ها، در کنار اهمیت توازن قدرت های منطقه ای همواره در دستور کار واقع گرایان قرار داشته است.

مرشایمر¹ معتقد است، کشورها در نظام بین‌الملل غیرمتمرکز تلاش می‌کنند تا برای تأمین امنیت خود به کسب قدرت مبادرت ورزند. کشورها انگیزه و علاقه شدیدی به کسب قدرت دارند که عمدتاً برحسب مقدرات و توانایی های مادی نظامی و اقتصادی تعریف می‌شود. قدرت، فی‌نفسه هدف و غایت سیاست خارجی کشورها نخواهد بود بلکه ابزار مفید و مؤثری برای تأمین امنیت به هر میزان ممکن در وضعیت آنارشی بین‌المللی است. از این رو، دغدغه و هدف غایی کشورها در نظام بین‌الملل تأمین امنیت است نه کسب قدرت (Mearsheimer, 2001: 20).

نو واقع گرایان، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل را موجب بی‌اعتمادی و سوءظن کشورها نسبت به یکدیگر می‌دانند. آن‌ها همواره از خطر حمله و تجاوز دیگران در ترس و هراسند. از این رو مهم‌ترین عاملی که کشورها را به امنیت‌طلبی در رفتار خود وا می‌دارد، عدم اعتماد و اطمینان از انگیزه‌ها و نیت دیگران است (Ben- Itzhak, 2011: 316). ساختار نظام بین‌الملل به وسیله یک اصل نظام‌بخش² و توزیع مقدرات و توانایی بین واحدها تعریف و تشکیل می‌شود. اصل نظام‌بخش در سیاست بین‌الملل که به ساختار نظام بین‌الملل شکل می‌دهد آنارشی است (Waltz, 1979: 27). از این رو، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سیاست بین‌الملل و انگیزه و منبع ارجحیت‌ها و رفتار

1. Mearsheimer

2. Ordering Principle

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛ .../ 5

سیاست خارجی کشورها محسوب می‌گردد. در نتیجه این ساختار آنارشیک، بی‌اعتمادی و سوءظن کشورها نسبت به یکدیگر افزایش یافته، به گونه‌ای که آنها از خطر حمله و تجاوز دیگران در هراسند و ریشه‌ی این بی‌اعتمادی در عدم اطمینان از نیت رقبای می‌باشد. (Ben-Itzhak, 2011: 316) از آنجائی که مهم‌ترین هدف کشورها در نظام بین‌الملل تامین امنیت و تضمین بقاست، اتکا به اصل خودیاری برای دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در چنین نظامی ائتلاف‌ها، اتحادها و پیمان‌های نظامی پدیده‌های زودگذر و متغیر بوده و کشورها مجبورند برای حفظ بقا بر توانمندی‌های خود بیفزایند.

نواقح گرایان تهاجمی نظیر مرشایمر معتقدند پیگیری دو اولویت حفظ بقا و خودیاری، مشکل بزرگتری به نام مسئله دستاوردهای نسبی، را بوجود خواهد آورد. چنین شرایطی موجب می‌شود تا هر دولت نه تنها کسب اهداف فردی‌اش را مورد توجه قرار دهد؛ بلکه آن را با طرف مقابل نیز مورد مقایسه قرار دهد. (Mearsheimer, 1990: 12). اهمیت دستاوردهای نسبی در میان بازیگران خاورمیانه ناشی از ماهیت آنارشیک در نظام بین‌الملل دارد. به همین دلیل کشورهای منطقه وارد یک منطق جمع‌جبری صفر شده و به دلیل اهمیت یافتن دستاوردهای نسبی، برد خود را باخت دیگری تصور می‌نمایند (بوزان، 1381: 643)

موازنه‌سازی قدرت‌ها در جنوب غرب آسیا

غرب آسیا از جمله مناطق حیاتی در جهان محسوب می‌گردد که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئو اکنومیکی مورد توجه قدرتهای بزرگ قرار گرفته است. کشورهای این منطقه که تنها پس از فرپاشی امپراطوری عثمانی و رهائی از قیمومیت کشورهای استعمارگر طعم استقلال را چشیده‌اند، درگیر تنش و جنگ با همسایگان خود شده‌اند. از همین رو این کشورها موازنه‌سازی در برابر رقبای خود را با اتکاء به قدرتهای منطقه‌ای و یا کمک

گرفتن از قدرتهای فرامنطقه ای به عنوان ساده ترین راه برای تضمین امنیت و بقای خود انتخاب نموده اند.

موازنه گرایی از جمله اصول ثابت در مجموعه دیدگاه های رئالیستی می باشد که دلیل مخالفت قدرت های بزرگ را با اقدامات قدرت هژمون و یا اقدامات یکدیگر به وضوح نشان می دهد. (مصلی نژاد، 1390: 133). دولتها تلاش می کنند تا از توازن قدرت برای جلوگیری از تسلط یک قدرت سیطره جو(هژمون) استفاده کنند. (Waltz, 1979: 18) کشورهایی که احساس تهدید می کنند از طریق موازنه سازی درون گرا، یعنی تقویت و افزایش توانایی های خود، یا موازنه سازی برون گرا، در چارچوب اتحادها و ائتلاف های نظامی به مقابله با کشور بر هم زننده موازنه قوا برمی خیزند. (دهقانی فیروزآبادی، 1391: 39) در دیدگاه نواقع گرایی، موازنه از دو راه تحقق خواهد یافت اول موازنه متعارف از طریق توازن سلاح های متعارف و ورود به ائتلاف های رسمی و یا از راه دوم موازنه نامتعارف از طریق کسب بازدارندگی هسته ای. (جوکار، 1389: 155)

مرشایمر، از جمله نظریه پردازان نواقع گرایی تهاجمی در کتاب «تراژدی سیاست قدرت های بزرگ»¹، پنج مفروض و انگیزه کشورها برای بیشینه سازی قدرت در نظام بین الملل آنارشیک را توضیح داده است: اول، کشورها، به ویژه قدرت های بزرگ، بازیگران اصلی و عمده در سیاست جهان هستند که در یک نظام آنارشیک اقدام می کنند. دوم، همه کشورها از میزانی از توانایی نظامی تهاجمی برخوردارند. بنابراین، هر کشوری قادر است تا به همسایگانش ضربه و خسارت وارد سازد، البته توانایی های کشورهای مختلف با هم تفاوت داشته و در طول زمان تغییر می کند. سوم، کشورها هرگز نمی توانند از نیت کشورهای دیگر مطمئن باشند. چهارم، هدف اصلی کشورها بقاست اهداف دیگر مانند رفاه و حفظ حقوق بشرو... در اولویت بعد از بقا قرار دارند و پنجم، کشورها کنش گران عاقل

1. The Tragedy of Great Power Politics

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛.../7

هستند؛ یعنی آن‌ها قادر به اتخاذ راهبردهای درستی هستند که چشم‌انداز و امید بقای آنان را بیشینه می‌سازد. البته ممکن است که کشورها گاهگاهی دچار سوءمحاسبه شوند و از این رو، بعضی از مواقع مرتکب اشتباهات بزرگی می‌شوند (Mearsheimer, 2001:30-31). البته بیشینه‌سازی قدرت به منظور کسب هژمونی، بر مبنای عقلانیت و محاسبات و ملاحظات عقلانی صورت می‌گیرد. بر این اساس، دولت‌ها به طور فزاینده‌ای به دنبال بیشینه کردن قدرت هستند تا از اقدامات تهاجمی رقبای همتای خود پیشگیری نمایند. (Mearsheimer, 1990: 13)

پس از جنگ سرد برخی از نظریه پردازان همچون استفان والت^۱ یکی از متفکران نظریه نواقع گرائی تدافعی، با تمرکز بر مفهوم موازنه تهدید^۲ به جای موازنه قوا^۳ به انتقادات وارد بر نظریه نواقع گرائی پاسخ دادند. والت با پالایش نظریه واقع گرائی والتز، معتقد است که دولت‌ها در مقابل «تهدید» واکنش نشان می‌دهند، نه در مقابل «قدرت». در واقع از نظر والت تهدید و نه قدرت در کانون نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد. دولت‌ها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند بلکه از دولتی می‌ترسند که بیش از سایر دولت‌ها تهدید آمیز جلوه کند. (Walt, 1987:21) تهدید یک دولت توسط دولت یا دولت‌های دیگر تابعی از چهار شرط مجاورت جغرافیایی، توانمندی‌های تهاجمی، نیات و مقاصد تجاوزکارانه و مجموع قدرت متراکم یک دولت است.

مجموع قدرت متراکم یک کشور برگرفته از مجموع منابع قدرت نظیر جمعیت، وسعت سرزمین، منابع انرژی و... است. کشوری که منابع بیشتری داشته باشد می‌تواند تهدید جدی تری از کشوری که منابع کمتری دارد مطرح سازد. قدرت تهاجمی به منزله توانائی یک دولت برای تهدید کردن حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای

1. Stephan Walt
2. Balance of Threat
3. Balance of Power

قابل قبول است. نیات تجاوزکارانه تمایل یک کشور خاص به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد. کشورهای که تجاوز پیشه تصور شوند احتمال بیشتری دارد که نسبت به دیگر دولتها، موجب ایجاد توازن شوند و در نهایت اهمیت مجاورت جغرافیائی از آن روست که در صورت برابر بودن سایر شرایط؛ کشورهای نزدیک اغلب تهدید کننده تر از کشورهای دور هستند (گریفیتس، 1390: 323) بنابراین هراندازه وزن این چهار متغیر سنگین تر باشد دولتهائی که خود را در معرض تهدید فوری می‌دانند بیشتر به سمت ایجاد موازنه حرکت کرده و سعی می‌کنند تا با ایجاد اتحاد و نزدیکی با دیگر قدرتها به موازنه با قدرت تهدیدزا بپردازند. افزایش در هریک از شاخص های چهارگانه، دولت های دیگر را برای متحد شدن با دیگران در مقابل دولت تهدید کننده تشویق می‌کنند)

(Walt, 1988:281)

موازنه‌گرایی در خاورمیانه در هر دو شکل «موازنه قدرت» و «موازنه تهدید» قابل مشاهده می‌باشد. معمای امنیت در بین کشورهای منطقه موجب شده تا قدرت گرفتن یک دولت به منزله لزوم تلاش رقبای آن دولت برای جبران عقب ماندگی خود تلقی شود و از سوی دیگر گسل های متنوع مذهبی، فرهنگی و قومی در منطقه موجب گردیده است تا کشورها یکدیگر را به عنوان تهدید مورد شناسائی قرار دهند.

چرایی باز تولید منازعه در خاورمیانه

جذابیت واقع گرایی در تحولات خاورمیانه را می‌توان در وجود بدگمانی و تسلط فرهنگ هابزی در فضای منطقه، مداخله قدرتهای جهانی، سابقه حضور طولانی استعمار، جنگ‌های مستمر، تداوم منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی، کشمکش بر سر مسائل مرزی، ناتوانی در دولت سازی و ملت سازی، تکثر هویت های مذهبی، قومی و نژادی، دولت های شکست خورده، احساس خطر دولتها از همسایگان و در نهایت موازنه قوا به ویژه از رهگذر افزایش

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛ .../ 9

و توازن قدرت برای نظم منطقه ای جستجو نمود.

ناپایداری ترتیبات امنیتی، تصاعد منازعات داخلی، معمای امنیت و مداخله قدرت های بزرگ در خاورمیانه این منطقه را تبدیل به محیطی آنارشیک و کشمکش زا نموده است. مداخله قدرتهای بزرگ در سیاست منطقه ای خاورمیانه موجب ناپایداری در توازن قوا گردیده است در چنین شرایطی است که تهدیدات فراروی واحد های سیاسی به طور دائمی در حال افزایش و پیچیدگی است. (کاکس، 1380: 297) وجود آنارشی به عنوان اصل نظم دهنده در خاورمیانه موجب گردیده دولت ها در این منطقه الگوی رفتاری یکسانی را اتخاذ نمایند. از آنجائی که تامین امنیت و حفظ بقا از مهمترین اولویت های هر دولتی می باشد تحولات منطقه هراس دولت ها را نسبت به حفظ بقای خود به صورت حداکثری افزایش داده است. این ترس علاوه بر دلایل تاریخی و جنگ های مستمر در منطقه، ناشی از سرنگونی چند دولت به دنبال وقایع بهار عربی و ناتوانی برخی دیگر از دولت ها در کنترل بخش هایی از سرزمین خود- که به دست تروریست ها افتاده است- می باشد.

تغییر ساختار نظام بین المللی موجب گردیده تا کشورهای منطقه پس از پایان ساختار نظام دوقطبی خود را با شرایط جدید خودیاری وفق دهند. برث هسن¹ در چارچوب نظریه والتز با بررسی تاثیر نظام بین الملل تک قطبی در خاورمیانه معتقد است کشورها در یک منطقه مانند خاورمیانه قدرت مانور کمتری دارند. زیرا قدرت دیگری غیر از تک قطب وجود ندارد که با آن متحد شوند. (حاجی یوسفی، 1387: 40-37)

یکی از دلایل بازتولید سوءظن و بدگمانی در خاورمیانه علیرغم نهادسازی های موجود برای همکاری میان کشورهای منطقه توجه به اهمیت دستاوردهای نسبی در میان

بازیگران این منطقه می‌باشد. بارنت^۱ در مقاله ارزشمند خود در خصوص «رفتار اتحادها در خاورمیانه» تعاملات مبتنی بر بازی با حاصل جمع صفر در بین رهبران عرب خاورمیانه را از جمله مهم‌ترین دلایل فروپاشی اتحادیه اعراب در زمان ناصر بر می‌شمارد. چرا که چنین منطقی مانع از بوجود آمدن هنجارهای قدرتمندی در بین اعراب گردیده است. (بارنت، 1390: 153)

بوزان^۲ در مقاله ای با عنوان «خاورمیانه ساختاری همواره کشمکش‌زا» تاکید دارد، آسیای غربی به دلیل تنوع منازعات امنیتی، منطقه ای همواره کشمکش‌زا و منازعه‌پرور بوده و در آن دوره‌های ستیز طولانی‌تر از دوره‌های سازش و آرامش بوده است. (بوزان، 1381: 634-671) در این ساختار کشمکش‌زا که با بازتولید منازعه همراه می‌باشد، الگوی موازنه قوا به الگوی مختار و متداول در روابط بین کشورها تبدیل می‌گردد. از همین رو به دنبال بازتولید منازعات در خاورمیانه شاهد بازتولید موازنه‌گرایی‌ها در این منطقه خواهیم بود در چنین محیطی کشورها به صورت مستمر تبدیل به دوست یا دشمن یک‌دیگر می‌شوند. همچنان که، تاریخ منطقه، شاهد موازنه‌سازی، ائتلاف‌سازی و بازدارندگی علیه یک‌دیگر بوده است. بازدارندگی، مهار و توازن قدرت سه موضوع کلیدی در نظام توازن قوا محسوب می‌گردند. وجود چنین سیستمی یکی از دلایل مهم بی‌ثباتی و بی‌نظمی در خاورمیانه شده است. (هینه بوش، 1390: 55)

موازنه‌سازی در خاورمیانه گرچه در برخی جهات توسط خود بازیگران منطقه ای صورت گرفته است اما در برخی از موارد، شاهد تلاش بازیگران فرامنطقه ای و قدرت‌های بزرگ برای موازنه‌سازی با هدف ایجاد ثبات مورد نظر خود و برآوردن منافع آنها هستیم (روحی، 1395: 139) چون خاورمیانه در سلسله مراتب قدرت یک نظام تابع

1. Michael N. Barnett
2. Barry Buzan

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛ ... / 11

است ساختار نظام بین‌الملل و توزیع قدرت در آن نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری موازنه بین بازیگران اصلی و قواعد رفتاری آنها داشته است. (روحی، 1395: 147) این موضوع یکی از عمده‌ترین دلایل بازتولید منازعات در منطقه خاورمیانه محسوب می‌گردد چرا که نه تنها خاک یا مسائل داخلی این قدرت‌ها در مقایسه با خسارت‌هایی که کشورهای منطقه می‌بینند در امان می‌باشد، بلکه عمدتاً قدرتهای فرامنطقه‌ای با گرفتن «سواری رایگان» از کشورهای منطقه مشغول حل و فصل منازعات اصلی‌تر خود در جهان و امتیازگیری با کارت این کشورها از رقبای خود شوند.

در ساختار توازن قوا از سوی آمریکا، کشورهای عرب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی، ایران به عنوان منشا اصلی ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه معرفی می‌شود. لذا هرگونه موازنه قدرت باید با هدف مهار نفوذ و جلوگیری از افزایش قدرت ایران باشد. در مقابل منشا ناامنی در منطقه از دید ایران حضور بازیگران فرامنطقه‌ای با هدف تامین امنیت انرژی برای خود و همچنین تامین امنیت رژیم صهیونیستی علی‌رغم دارا بودن کلاهک‌های هسته‌ای و سابقه شرارت و حمله به کشورهای منطقه می‌باشد. لذا از دیدگاه ایران هرگونه توازن قدرت باید با هدف تامین امنیت منطقه توسط کشورهای منطقه، خروج نیروهای نظامی غرب به ویژه آمریکا از منطقه و خلع سلاح هسته‌ای رژیم صهیونیستی باشد.

موازنه‌سازی در خاورمیانه همچنان به شکل سنتی آن در حال بازسازی می‌باشد. این موازنه‌سازی در جدیدترین شکل خود و در برابر محور مقاومت متشکل از ائتلاف کشورهای ایران، روسیه و سوریه با حضور ائتلاف عربستان، رژیم صهیونیستی و آمریکا و پشتیبانی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شکل گرفته است. البته بدیهی است منطق حضور هر کدام از کشورهای مذکور در ائتلاف‌های فوق می‌تواند متفاوت باشد.

تشدید آنارشی در خاورمیانه در عصر پسا برجام

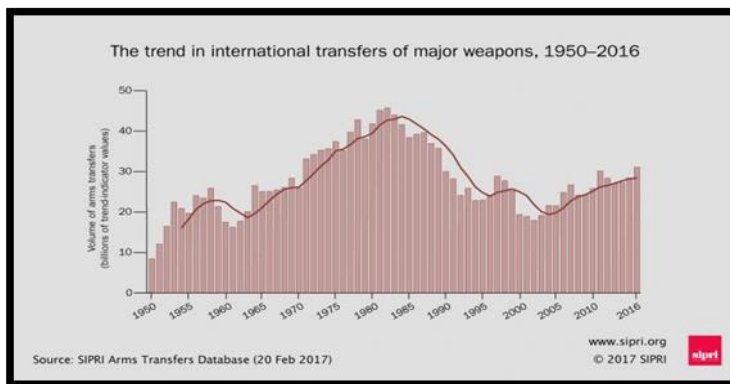
ارتش آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون ۲۰ میلیون نفر را در ۳۷ کشور کشته است (Lucas, 2016). بسیاری از این قربانیان مورد حمله مستقیم ارتش آمریکا بوده اند و بخش قابل توجهی نیز در جنگ های نیابتی توسط متحدان آمریکا جان خود را از دست داده اند. هرچه از پایان دو جنگ جهانی که از جنگ کره و ویتنام آغاز می گردد فاصله می گیریم شاهد تمرکز بیشتر حمله ها و کشتارهای ارتش آمریکا در خاورمیانه هستیم.

در چنین شرایطی کشورهای منطقه یا باید تبدیل به متحدان راهبردی برای آمریکا شوند و یا تلاش نمایند تا با بهره گیری از منطق بازدارندگی و خودیاری، قدرت نسبی خود را افزایش داده و به حداکثر برسانند. به همین دلیل عمده نظام های امنیتی در منطقه با اتکا به موازنه گرائی و ائتلاف با قدرت های فرامنطقه ای شکل گرفته است و پیشنهاد ایران برای تامین امنیت توسط کشورهای منطقه تا کنون تحقق نیافته است. در نتیجه منطقه وارد یک مسابقه بی پایان تسلیحاتی و یا باز نمودن پای قدرتهای بزرگ دیگر برای تامین امنیت متحدان خود شده است. روند این مسابقه تسلیحاتی از دوره جنگ سرد آغاز گردید، به شکلی که در آن دوره انتقال سلاح های آمریکائی به خاورمیانه 9 برابر میزان ارسال سلاح به آمریکای لاتین و 15 برابر حجم انتقال سلاح به آفریقا برآورد شده است. در همان مقطع انتقال تسلیحاتی شوروی به خاورمیانه چهار برابر انتقال اسلحه به آمریکای لاتین و دو برابر میزان انتقال اسلحه به آفریقا بوده است. (استاین 1386: 167-168) با فروپاشی شوروی روند فروش سلاح و مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه نه تنها متوقف نشد بلکه با شدت بیشتری ادامه یافت.

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛ ... / 13

بنا بر گزارش بنیاد بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (سیپری)¹، فروش جهانی تسلیحات در پنج سال گذشته به بالاترین سطح خود در مقایسه با سال 1990 رسید و هند و عربستان سعودی در صدر خریداران سلاح قرار گرفتند. براساس این گزارش از 2012 تا 2016 هند 13 درصد واردات سلاح در جهان را به خود اختصاص داده و پس از آن رتبه های بعدی از آن عربستان سعودی، امارات، چین و الجزایر است. براساس این گزارش منطقه آسیا اصلی ترین منطقه مشتری تسلیحات بوده است. (Fleurant et.al, 2017:7)

نمودار: روند فروش تسلیحات در سالهای 1950-2016



Source :Fleurant et.al,(2017)

از این لحاظ خاورمیانه اینک تبدیل به یک منطقه به شدت نظامی و پادگانی آموزشی برای رزمایش های نظامی نه تنها قدرتهای منطقه بلکه قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای شده است. با توجه به این موضوع که واردات شدید تسلیحات از سوی این کشورها در سالهای اخیر که بهای نفت کاهش زیادی داشته، انجام شده است می توان دریافت که این کشورها بهترین راه تقابل با ایران را راهکار نظامی در قالب جنگ های نیابتی و در

1. Stockholm International Peace Research Institute

صورت امکان جنگ مستقیم دانسته و کشورهای غربی نیز توانسته اند علیرغم بدست آوردن سود سرشار فروش سلاح به این کشورها از طریق اعمال سیاست رعب و وحشت، آنان را برای اجرای برنامه های سلطه طلبانه خود آماده سازی کنند و منطقه را به انبار ذخایر تسلیحات تولیدی خود مبدل سازند. شورای روابط خارجی آمریکا¹ در گزارشی اذعان نموده است که ارتش ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۶، بیش از ۲۶۰۰۰ بمب روی ۷ کشور جهان ریخته است^۲. تعداد بمب های آمریکا در خاورمیانه بیشتر از همه جای دیگر جهان بوده است. با نگاهی به جدول تفکیکی ارائه شده در این گزارش و مقایسه آن با سالهای گذشته در خواهیم یافت که بمباران کشورهای خاورمیانه به یک روند ثابت و محوری در سالهای اخیر تبدیل گردیده است (Zenko, 2017).

جدول 1: بمب های استفاده شده توسط آمریکا در سال 2016

نام کشور	تعداد بمب رها شده
سوریه	12192
عراق	12095
افغانستان	1337
لیبی	496
یمن	34
سومالی	14
پاکستان	3
جمع کل	26171

Source: Zenko Micah, (2017)

این آمار در سال 2015 به شرح ذیل بوده است:

1. council on foreign relations(CFR)

2. سوریه، عراق، افغانستان، لیبی، یمن، سومالی و پاکستان

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛... / 15

جدول 2: بمب‌های استفادی شده توسط آمریکا در سال 2015

نام کشور	تعداد بمب رها شده
عراق / سوریه	22110
افغانستان	947
یمن	58
سومالی	18
پاکستان	11
جمع کل	23144

Source: Zenko Micah, (2016)

ایالات متحده آمریکا، بر خلاف متحدان سنتی خود در خاورمیانه دیگر توانی برای ورود مستقیم به بحران‌های منطقه‌ای را ندارد و ترجیح می‌دهد از طریق سیاست موازنه فراساحلی¹ و جنگ‌های نیابتی به مدیریت صحنه بپردازد. همین موضوع سبب شده تا برخی از اتاق‌های فکر آمریکا ضمن هشدار به مقامات این کشور تاکید دارند که اگر آمریکا تمایلی به بهره‌گیری از قدرت نظامی برای ایجاد موازنه در مناطق مختلف دنیا رانداشته باشد، آنگاه نظام موجود در جهان در اثر رقابت نظامی قدرتهای منطقه‌ای با بی‌نظمی مواجه خواهد شد (Kagan, 2017).

توافق بین‌المللی برجام و بازتولید ناامنی در جنوب غرب آسیا

دیدگاه رهبران منطقه بویژه شورای همکاری خلیج فارس درخصوص ترتیبات امنیتی حاکم بر این منطقه با دیدگاه والتز درخصوص دستاوردهای نسبی همخوانی بیشتری دارد. کشورهای منطقه بارها احساس باخت خود را در مقابل قدرت یافتن همسایگان خود به نمایش گذاشته‌اند. این منوط به خصوص رفتار کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

1. Offshore Balancing

دیده می‌شود. این کشورها دستیابی ایران به فعالیت‌های هسته‌ای حتی صلح آمیز را به معنای برد ایران و باخت خود می‌دانند و از هیچ کوششی برای ممانعت از روند هسته‌ای شدن ایران فروگذار نخواهند نمود.

نگرانی آمریکا از افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران در حالی که در برجام، مجبور به پذیرش حقوق هسته‌ای ایران نیز شده است سبب شده تا از تلاش ایران برای گسترش نفوذ خود در منطقه جلوگیری نماید. آمریکا نگران است که در صورت برتری ایران در توازن قوا در منطقه، این کشور بتواند تلاش آمریکا برای پیشبرد منافع خود را با چالش مواجه سازد. ژنرال مایک پومپئو^۱ رئیس سیا در پاسخ به سوالی درباره قدرت منطقه‌ای ایران در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل آمریکا^۲، می‌گوید: «ایران ظرفیت سیستم‌های موشکی حزب الله را افزایش داده و این موشک‌ها می‌توانند اسرائیل را مورد اصابت قرار دهند، ایرانی‌ها بواسطه نیروهای نظامی شیعه، قدرت خود را در داخل و اطراف موصل افزایش داده‌اند و از حوثی‌ها برای شلیک موشک از یمن به سمت سعودی حمایت کرده‌اند». وی در همین نشست در پاسخ به سوال دیگری می‌گوید: «مطمئنانه در هر یک از این جاهایی که نام برده شد، ایران از نیروهای نیابتی خود برای نفوذ منطقه‌ای استفاده می‌کند. هلال شیعی در حالت توسعه است و شکل‌گیری چنین هلالی جزء منافع آمریکا نیست» (Pompeo, 2017). این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران بارها بر عدم دخالت نظامی در جنگ یمن تاکید نموده است.

عدم توجه به ساختار آنارشیک خاورمیانه و خوش‌بینی به تئوری‌های کارکرد گرایانه در راستای ایجاد توافق فنی بین ایران و غرب و تسری آن به موضوعات امنیتی و سیاسی دیگر، منجر به کاهش شدت معمای امنیت نگردیده است. بلکه برخی از تحلیل‌گران

1. Mike Pompeo

2. Center for Strategic and International Studies (CSIS)

معتقدند دور جدیدی از مسابقه تسلیحاتی پس از برجام آغاز شده است که نه تنها تنش ها را در منطقه پایدارتر و عمیق تر کرده، بلکه این دور باطل تنش و مسابقه تسلیحاتی، به قاعده بازی در محیط امنیتی خاورمیانه تبدیل شده است (روحی، 1395: 135)

دست یابی ایران به توانمندی هسته ای در محیط آنارشیک خاورمیانه می تواند دستاویز آغاز مسابقه تسلیحاتی خطرناک در منطقه شود و برخی از کشورهای منطقه خود را آماده آغاز برنامه های هسته ای خواهند کرد. موسسه علوم و امنیت بین المللی واشنگتن، در یکی از جدیدترین گزارشات خود¹ خبر از تلاش عربستان سعودی به شکلی فعالانه برای دستیابی به سلاح های اتمی و کشتار جمعی با هدف رقابت و مهار نظامی ایران داده است. در این گزارش بیان شده است که بر خلاف تصور دولت اوباما² توافق هسته ای با ایران منجر به کاهش تنش در خاورمیانه نشده است و همچنین، این توافق نه تنها منجر به از میان رفتن خواست و اشتیاق عربستان سعودی برای دسترسی به قابلیت های نظامی هسته ای و حتی ساخت بمب هسته ای نشده است بلکه به شکلی معکوس منجر به آن شده که فشارها از روی عربستان برای رقابت اتمی با ایران در کوتاه مدت برداشته شود و تلاش این کشور را در راستای رسیدن به بمب اتمی افزایش دهد. در این راستا عربستان سعودی دستیابی به تسلیحات اتمی را برای خود به شکل یک مصونیت نگاه می کند. (Burkhard, and Stricker, 2017)

گرچه استناد به چنین گزارشاتی را می توان در راستای «پیش بینی های خود تحقق بخش» و نشان دادن چراغ سبز به عربستان برای آغاز برنامه هسته ای با هدف ایجاد موازنه در برابر ایران و اخذ امتیازات بیشتر از عربستان به ویژه در حوزه انرژی ارزیابی نمود

1. Saudi Arabia's Nuclear Ambitions and Proliferation Risks
2. Barack Obama

ولیکن نمی‌توان از کنار خطرات احتمالی چنین برنامه‌ی جنون آمیزی در خاورمیانه به سادگی عبور نمود.

جمهوری اسلامی ایران همزمان به عنوان تهدید اصلی و فوری برای سه بازیگر همسایه، منطقه ای و بین‌المللی تصویر سازی شده است. عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا هر یک ایران را تهدیدی برای ارزش های حیاتی خود در منطقه می‌دانند. به عنوان نمونه در «رهنامه بگین» که به نام نخست وزیر اسرائیل مناخیم بگین¹ ثبت شده است، تاکید شده که به هیچ کدام از رقیب های اسرائیل در خاورمیانه نباید اجازه داده شود که به سلاح اتمی دست یابند. تاکنون، مقامات اسرائیلی دو بار با استفاده از گزینه نظامی اقدام به نابودی تأسیسات مشکوک به پژوهش و تولید این گونه جنگ افزارها در عراق و سوریه کرده اند. در 7 ژوئن 1981، نیروی هوایی اسرائیل نیروگاه در دست ساخت عراقی را در «ازیراک» با بمباران هوایی تخریب کرد و در نیمه شب 5 سپتامبر 2007، در عملیاتی غافلگیرانه با هشت جت جنگنده اف 15 و اف 16 به نیروگاه سوریه در «الخبیر» حمله کرد. (لطفیان، 1396: 191) در همین راستا طرح مکرر حمله به مراکز استراتژیک ایران از جمله نیروگاه بوشهر در زمانی که در دست ساخت بود، نمونه‌ای برجسته از نیات گستاخانه این رژیم می باشد. ترور دانشمندان هسته ای و کارشکنی های مکرر در طول مذاکرات ایران با کشورهای 1+5 و همچنین تهدید ایران به حمله نظامی که البته با واکنش شدید رهبر جمهوری اسلامی مواجه گردید، را می توان در راستای هراس از توسعه نفوذ منطقه ای ایران ارزیابی نمود.

در اسناد راهبردی امنیت ملی آمریکا، ایران همواره جزو اولویت های اصلی تهدیدزا برای امنیت آمریکا معرفی گردیده است. در آخرین گزارش چشم انداز چهار ساله دفاعی

1. Menachem Begin

آمریکا که در جولای 2014 که با امضای باراک اوباما رئیس جمهور وقت، چاک هیگل^۱ وزیر دفاع وقت و مارتین دمپسی^۲ رئیس ستاد مشترک وقت ارتش آمریکا، منتشر گردید، 13 بار نام ایران بر اساس مفاهیم و عبارت هائی به کار رفته که می توان از آن به عنوان «تهدید ایران» نام برد. (افضلیان، 1392: 91-94) در این گزارش ایران به عنوان «مرکز ناامنی منطقه ای» معرفی شده که بیان چنین عبارتهائی به معنای آن است که چالش های ایران و آمریکا حتی در صورت دست یابی به توافق کامل هسته ای نیز همچنان ادامه خواهد یافت. در گزارش مذکور به راهبرد «توازن دهی مجدد برای سده 21»، به عنوان راه حل برای مقابله با تهدیدات، تصریح شده است.

بوزان به عنوان یکی از کارشناسان مسائل خاورمیانه ضمن اشاره به یکی از ویژگی های منحصر به فرد خاورمیانه معتقد است: «در این منطقه شکست و ناکامی یک دولت، شکست و ناکامی همه تلقی می شود. این وضعیت حتی در اروپای قبل از جنگ جهانی دوم و حتی در آفریقا نیز تا این حد مشاهده نشده است». او در قالب نظریه امنیت منطقه ای می افزاید که چون در خاورمیانه حس ناامنی با نزدیکی و مجاورت همراه است به همین خاطر بیشتر کشورها از همسایگان خود بیشتر هراس دارند تا قدرت های دور دست. (بوزان، 1381: 634) از این رو بوزان امنیت در خاورمیانه را یک معما می داند و معتقد است در این منطقه دوستی یک بازیگر با بازیگر دیگر حتما متضمن خصومت با بازیگر دیگر یا ثالث است.

بر این اساس می توان دریافت که چگونه اتحاد ایران و سوریه در مبارزه با تروریسم منجر به واکنش عربستان با این دو کشور شده است. از سوی دیگر نزدیکی عربستان با رژیم صهیونیستی در شدت یافتن سردی روابط ایران با عربستان تاثیر گذار بوده است. همچنین

1. Chuck Hagel

2. Martin E. Dempsey

در شرایطی که همکاری ایران با روسیه افزایش یافته، شاهد رشد چشمگیر همگرایی در شورای همکاری خلیج فارس با آمریکا و ناتو می‌باشیم. در نتیجه دولت‌های منطقه به سمت خودیاری، اتحاد و موازنه سازی رفته و در نتیجه این معمای امنیت، کلیه بازیگران؛ درگیر بازی با حاصل جمع صفری شده‌اند. لذا احساس «مابودگی» که برای ایجاد یک جامعه امنیتی و همگرایی منطقه‌ای بسیار ضروری و لازم است هیچ‌گاه در خاورمیانه تحقق نیافته است. (Len, 2004: 13)

برخورداری ایران از سه موقعیت ژئوپلیتیک، ژئو اکونومیک و ژئوکالچر و دستیابی به فناوری‌های پیشرفته فضائی، هسته‌ای و نظامی و توان گفتمان سازی، موجب گردیده که موازنه قدرت به نفع ایران در منطقه در حال تغییر باشد به گونه‌ای که امکان شکل‌گیری نظم جدیدی مبتنی بر اراده ایران وجود دارد. (دهشیری، 1396: 64)

چنین شرایطی سبب شده تا شاهد تلاش عربستان سعودی به عنوان یکی از اصلی‌ترین رقبای ایران در منطقه برای ائتلاف سازی در مقابل ایران و همچنین ورود قدرتهای مداخله گر جهت برهم زدن توازن منطقه‌ای به نفع رقبای ایران باشیم. در همین راستا در مقابل موقعیت ژئوپلیتیکی ایران قدرتهای بزرگ معارض با ایران، اقدام به تاسیس پایگاه‌های نظامی جدید در منطقه نموده‌اند. با توجه به دارا بودن ذخائر غنی نفت و گاز در ایران و فراهم شدن امکان توسعه اقتصادی سریع این کشور، تصویب و اجرائی نمودن تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه و به راه انداختن جنگ اقتصادی تمام عیار با ایران با هدف ممانعت از بهره برداری ایران از ظرفیت‌های ژئو اکونومیک خود اعمال گردیده است. همچنین پروژه‌های ایران هراسی، شیعه هراسی، اسلام هراسی و نفرت پراکنی که در قالب گروه‌های تروریستی تکفیری در سالهای اخیر تشدید گردیده است، ظرفیت‌های موجود در موقعیت ژئوکالچر انقلاب اسلامی را هدف قرار داده است.

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛ ... / 21

بعد از توافق بین‌المللی برجام، سیاست آمریکا در منطقه همچنان بر محور مهار نفوذ ایران و توازن قدرت به نفع رقبای منطقه‌ای ایران استوار بوده است. باراک اوباما رئیس‌جمهور پیشین آمریکا پس از انعقاد این توافق و پیش از ترک کاخ سفید بزرگترین قرارداد کمک نظامی در تاریخ آمریکا را به ارزش «38 میلیارد» دلار با رژیم صهیونیستی منعقد نمود. این قرارداد ده‌ساله - از 2019 تا 2028 - 27 درصد بیش از ارزش آخرین قرارداد کمک نظامی بین دو دولت در 2007 بوده است. طبق توافق جدید، کل این مبلغ باید صرف خرید هواپیماها و تسلیحات پیشرفته و تقویت توان موشکی شود (middleeasteye, 2017) به فاصله کمتر از یک سال بعد از قرارداد کمک نظامی به رژیم صهیونیستی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا با انتخاب خاورمیانه به عنوان اولین مقصد سفر خارجی خود به دو کشور عربستان و رژیم صهیونیستی سفر نمود. ترامپ که در این سفر ایران را عامل بی‌ثباتی خاورمیانه معرفی نمود، یک قرارداد عظیم نظامی به ارزش 109.7 میلیارد دلار، را با ریاض به امضا رساند. این بسته شامل پیشرفته‌ترین سیستم‌های دفاع موشکی می‌شود. به گفته کاخ سفید این بسته موشکی برای کمک به خنثی کردن تهدیدات منطقه‌ای طراحی شده است. (Majumdar, 2017) این بسته بزرگترین قرارداد دفاعی است که آمریکا تاکنون با عربستان امضا کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا در عربستان ضمن تشویق سران کشورهای عربی، حوزه قفقاز و کشورهای اسلامی، این کشورها را به تقابل با ایران دعوت کرده و می‌گوید: «کشورهای خاورمیانه نمی‌توانند منتظر آمریکا بمانند تا ما بیائیم و دشمنانشان را در هم بکوبیم. ملت‌های خاورمیانه باید تصمیم بگیرند که چه آینده‌ای را می‌خواهند. این انتخابی نیست که آمریکا بتواند برای شما انجام دهد.» ترامپ در همان سخنرانی، ایران را به دلیل تأمین مالی و پناه دادن به تروریست‌ها، مسئول «بی‌ثباتی شدید» در منطقه معرفی کرده و می‌گوید: «تا وقتی که نظام حاکم بر ایران تمایلی برای مشارکت در ایجاد صلح نشان ندهد، همه کشورها باید برای انزوای آن همکاری کنند.» (Trump, 2017)

همان گونه که نئورئالیست های تدافعی چون والت مطرح نمودند، تهدید و نه قدرت در کانون نگرانی های امنیتی دولت ها قرار دارد. بر این اساس به جای موازنه قدرت موازنه تهدید بین کشورها شکل می گیرد. از آنجائی که تهدید یک دولت توسط دولت یا دولتهای دیگر تابعی از چهار شرط مجاورت جغرافیائی، توانمندی های تهاجمی، نیات و مقاصد تجاوزکارانه و مجموع قدرت متراکم یک دولت می باشد نگاهی به تحولات منطقه پس از برجام نشان می دهد که هر چهار شرط مذکور در حال تکامل در منطقه می باشد. قراردادهای کم سابقه نظامی در راستای افزایش مجموع قدرت متراکم و ارتقای قدرت تهاجمی رقبای منطقه ای ایران قابل ارزیابی می باشد. حمله نظامی غافلگیرانه رژیم صهیونیستی به تاسیسات هسته ای در دو کشور عراق و سوریه و حمله نظامی عربستان به یمن، از نیات و مقاصد تجاوزکارانه این دو کشور ناشی می شود. همچنین تلاش عربستان برای ائتلاف سازی در قالب طرح «ناتوی عربی»، در مقابل آنچه دخالت ایران در مسائل داخلی کشورهای منطقه می داند، با هدف ایجاد هراس و برانگیختن همسایگان ایران و تلاش برای برتری در توازن قدرت در خاورمیانه محسوب می گردد.

درچنین شرایطی و در ساختار آنارشیک خاورمیانه و مبتنی بر موازنه سازی و اصل خودیاری جمهوری اسلامی در دکترین های نظامی خود پس از حفظ بقا و تمامیت ارضی، که از اصلی ترین اهداف دولت ها منظور می گردد، با افزایش قدرت خود در دو حوزه فعالیت های صلح آمیز هسته ای و تقویت توان موشکی به ترتیب به دنبال بازدارندگی نمایش محور(یا نمایش قدرت)، و بازدارندگی تلافی جویانه می باشد.

نتیجه گیری

به دلیل وضعیت آنارشیک حاکم بر خاورمیانه که در سالهای اخیر به دلیل رشد تروریسم و مسابقه تسلیحاتی تشدید گردیده است، الگوهای تعامل میان دولت های منطقه بر اساس فرهنگ هابزی بیشتر به سمت ستیز و کشمکش ادامه خواهد یافت تا همکاری و رقابت. در

تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا؛ ... / 23

چنین شرایطی دولت‌ها خود را برای هرگونه احتمال آماده نگه خواهند داشت و با تشدید مسابقه تسلیحاتی با هدف تامین امنیت و حفظ بقا شاهد موازنه سازی‌های جدید و ائتلاف سازی‌های نو خواهیم بود. تلاش عربستان سعودی برای تشکیل ناتوی عربی در منطقه خاورمیانه را می‌توان به عنوان بازتولید نامنی و آغازی بردور جدید چنین ائتلاف سازی‌ها ارزیابی نمود. تشدید مسابقه تسلیحاتی در منطقه در کنار تلاش‌های عربستان در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در کنار نیت و مقاصد تجاوزکارانه این کشور و همچنین تهدیدات رژیم صهیونیستی، نمی‌تواند با بی‌تفاوتی ایران مواجه گردد و همین موضوع بازتولید منازعات در خاورمیانه را شدت خواهد داد.

همانگونه که اشاره شد یکی از مفروضات اصلی نئورئالیسم این بود که دولت‌ها از نیت اصلی یکدیگر خبر ندارند و لذا همواره بدترین نیت مورد احتمال را مد نظر قرار می‌دهند. از همین رو در حالی که رهبران جمهوری اسلامی ایران حتی احتمال وقوع جنگ پیشگیرانه و یا هرگونه تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای از سوی این کشور را بر خلاف اصول اسلامی و حرام شرعی اعلام نموده‌اند و حاضر به توافق با قدرت‌های بزرگ بر سر برنامه هسته‌ای خود شده‌اند، ولیکن تقریباً قالب نظریه پردازان نئورئالیسم اصرار دارند تا فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را به دلیل آنچه عدم آگاهی از نیت واقعی ایران می‌دانند، به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تفسیر نمایند و حاضر به تفکیک فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای و دستیابی به بمب‌های هسته‌ای نمی‌باشند. اما صرف نظر از این موضوع که ناشی از سلطه فرهنگ هابزی تحمیل شده به منطقه می‌باشد، منطق نئورئالیسم می‌تواند پیش‌بینی نسبتاً دقیق و ساده‌ای را از آینده منازعات خاورمیانه و تلاش‌های دیگر کشورها جهت دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای برای تغییر در توازن قدرت، ارائه نماید. دستیابی به سلاح هسته‌ای توسط کشورهایی که ارتباط نزدیکی با گروه‌های تروریستی نظیر القاعده و داعش دارند و تابوشکنی روابط برخی از کشورها با رژیم

صهیونیستی که بزرگترین انبار تسلیحات هسته‌ای در منطقه را دارد می‌تواند وحشتناک‌ترین آینده ممکن برای خاورمیانه را رقم بزند. توافق بین‌المللی برجام علی‌رغم دستاورد های مثبت آن و پذیرش حقوق هسته‌ای ایران؛ به دلیل برخی محدودیت‌های میان مدت و بلند مدت می‌تواند فرصت مناسبی را برای رقبای منطقه‌ای ایران جهت جبران عقب ماندگی خود و همچنین شکل دادن به توازن قوا به نفع آمریکا در منطقه در اختیار این کشورها قرار دهد. لذا بازتولید منازعه در خاورمیانه و امنیتی نگه داشتن ایران در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی؛ از دستور کار قدرت‌های مداخله‌گر خارج نخواهد شد. در چنین شرایطی مدیریت تحولات آتی در منطقه بسیار دشوار تر خواهد گردید.

منابع

استاین، آرتورای و استیون ای، دوئل. (1386). «ساختارگرایی جغرافیایی و سیاست بین-الملل: پایان جنگ سرد و منطقه‌ای شدن امنیت بین‌الملل» در: دیویدای لیک و پاتریک مورگان، *نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت سازی در جهان نوین*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.

تبيين بازتوليد منازعه جمهوري اسلامي ايران و آمريكا در جنوب غرب آسيا: ... / 25

افضلبيان، رضا. (1392). «چشم انداز چهار ساله دفاعي 2014 ايالات متحده آمريكا»، مركز تحقيقات راهبردي دفاعي، دوماهنامه اطلاعات راهبردي، سال يازدهم، شماره 120، بهمن و اسفند.

بارنت، مايكل. (1390). هويت ها و اتحادهها در خاورميانه، در كنز نشتاين، پيتر جي، فرهنگ امنيت ملي، هنجارها و هويت در سياست جهاني، ترجمه محمد هادي سمتي، تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردي جلد دوم.

بوزان، باري. (1381). «خاورميانه ساختاري همواره كشمكش زا»، ترجمه احمد صادقي، فصلنامه سياست خارجي، سال 16، شماره 3، پائيز.

جعفري، ولداني اصغر. (1382). روابط خارجي ايران بعد از انقلاب اسلامي، تهران: انتشارات آواي نور.

جوکار، محمد صادق و مدني، سيد مهدي. (1389). «جاياگاه سلاح هسته اي در راهبرد نظامي امنيتي عربستان سعودي»، مجله سياست دفاعي، سال نوزدهم، شماره 73، زمستان.

حاجي يوسفی، امير محمد. (1387). سياست خارجي ايران در پرتو تحولات منطقه اي (1991-2001)، تهران، دفتر مطالعات سياسي و بين المللي وزارت امور خارجه.

دهشيري، محمد رضا. (1396). «پيشران هاي نوظهور در نظم و امنيت غرب» آسيا، مجموعه مقالات اولين كنفرانس امنيتي تهران؛ نظم امنيتي منطقه اي در غرب آسيا، تهران: انتشارات موسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر تهران.

دهقاني فيروزآبادي، سيد جلال. (1391). «نو واقع گرائي و سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران»، فصلنامه سياست خارجي، سال بيست و ششم، شماره 1.

روحي، مجيد. (1395). تراژدي منطقه گرائي در خاورميانه تبیین نظم و بی نظمی در سياست بين الملل خاورميانه، تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردي.

کاکس، رابرت. (1380). رئالیسم نو، چشم اندازی بر چند جنبه گرائی، ترجمه مهدی رحمانی، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.

گریفیتس، مارتین. (1390). *دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

لطفیان، سعیده. (1396)، دیدگاه راهبردی اسرائیل و برآورد تهدید امنیتی آن برای خاورمیانه، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره 47، شماره 1، بهار.

مصلی نژاد، عباس. (1390). «تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئو رئالیستی»، *فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل*، پائیز، دوره اول، شماره 1.

هینه بوش، ریموند. (1390). *چارچوب تحلیلی در سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه رحمان فهردان پور و مرتضی مساح، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Ben- Itzhak, Steven (2011), *Realism and Neorealism*, in John T. Ishiyama and Marijke Breuning, eds., *21 st Century Political Science: A Reference Handbook*, Los Angeles: Sage.

Burkhard Sarah, Wenig Erica, Albright David, and Stricker Andrea (2017), "Saudi Arabia's Nuclear Ambitions and Proliferation Risks", *Institute for Science and International Security*, March 30, Available at www.isis-online.org/isis-reports/detail/saudi-arabias-nuclear-ambitions-and-proliferation-risks,

fleurantaude, wezeman, pieter d., wezemansiemon t., and tian nan (2017), "Trends In International Arms Transfers, 2016", *Sipri Armas*, February, Available at www.sipri.org/sites/default/files/Trends-in-international-arms-transfers-2016.pdf.

Kagan Robert (2017), "The twilight of the liberal world order", *Brookings Institution*. January 24, 2017, Available at www.brookings.edu/research/the-twilight-of-the-liberal-world-order.

Len, Christopher (2004) *Anarchy and the Barriers to Community Regional Cooperation in the Post Cold War Era*, Uppsala Programme of International Studies (UPIS) Department of Peace and Conflict Research.

- Lucas, James A (2016), "US Has Killed More Than 20 Million People in 37 "Victim Nations" Since World War II", Global Research, March 07, 2016.
- Majumdar Dave, (2017), "How the United States Is Turning Saudi Arabia Into a Military Juggernaut", national interest, Available at, <http://nationalinterest.org/blog/the-buzz/how-the-united-states-turning-saudi-arabia-military-20772>.
- Mearsheimer, John J. (1990), Back to the Future: Instability in Europe after the Cold War, International Security, 15(1), Summer.
- Mearsheimer, John J. (2001), The Tragedy of Great Power Politics, New York: Norton.
- Mearsheimer, John J. (2009), "Reckless States and Realism", International Relations, 23.
- Middleeasteye ,(2017)<http://www.middleeasteye.net/news/obama-praises-significant-military-deal-israel-2010423710>.
- Pompeo , Mike ,(2017) "A Discussion on National Security With CIA" ,Center for Strategic and International Studies(CSIS), Available at, www.csis.org/analysis/discussion-national-security-cia-director-mike-pompeo/?block1.
- Sagan, Scott D. and waltz , Kenneth N.(2002), The Spread of Nuclear Weapons: A Debate Renewed, New York: W.W. Norton.
- Trump Donald,(2017)"President Trump's Speech to the Arab Islamic American Summit", Available at, www.whitehouse.gov/the-press-office/2017/05/21/president-trumps-speech-arab-islamic-american-summit.
- Walt, Stephen ,(1987), The Origins of Alliances , Cornell University Press.
- Walt, Stephen ,(1988), "Testing Theories of Alliance Formation: The Case of South West Asia", International Organization, Vol.42, No.2.
- Waltz, Kenneth H. (1992), Realist Thought and Neorealist Theory , in R.L. Rothstein and W.R Fox, eds., The Evolution of Theory in International Relations, Columbia: University of South Carolina Press.
- Waltz, Kenneth H. (1979), Theory of International Politics, New York: Random House.
- Zenko Micah, (2017), "How Many Bombs Did the United States Drop in 2016?" ,council on foreign relations, Available at, <http://blogs.cfr.org/zenko/2017/01/05/bombs-dropped-in-2016/>.
- Zenko Micah,(2016), "How Many Bombs Did the United States Drop In 2015?", Council on Foreign Relations (CFR), Available

at,<http://blogs.cfr.org/zenko/2016/01/07/how-many-bombs-did-the-united-states-drop-in-2015/>.